

بررسی انتقادی کتاب «ادب الامثال والحکم»*

وحید سبزیان پور**

چکیده

نویسنده در این کتاب ۵۰۰ بیت از اشعار عرب را که متأثر و مأخوذ از کلام علی (ع) است، برگزیده و برای هر بیت شاهدی از کلام علی (ع) نقل کرده است. از آنجا که این تلاش بسی مغتنم و ارزشمند و گامی بلند در تبیین عمق و اعتلای کلام علی (ع) و میزان تأثیر اندیشه‌های آن حضرت (ع) در آثار ادبی است، به نظر می‌رسد اگر نقد و ارزیابی شود، در رسیدن به هدف خود موفق‌تر خواهد بود. از محاسن کتاب، کم‌بودن غلط چاپی و شرح برخی مفردات دشوار ذیل شواهد است. کتاب در ایران چاپ شده ولی به زبان عربی است؛ بدیهی است اگر به زبان فارسی می‌بود و اشعار شاعران و عبارات منسوب به علی (ع) به فارسی ترجمه می‌شد، طیف گسترده‌تری از مخاطب را در ایران در برمی‌گرفت، هرچند که این کتاب در جهان عرب می‌تواند راه خود را به سوی خواننده باز کند.

از نقایص کتاب، ارجاع کلام امام علی (ع) به شرح ابن ابی الحدید و غرر الحکم به جای نقل اشعار شاعران از منابع دست دوم به جای دیوان آنها، انتخاب نکردن شواهد بهتر از کلام حضرت علی (ع)، تکرار برخی مضامین و از همه مهم‌تر گسستگی ارتباط معنایی بین برخی اشعار شاعران و سخن حضرت علی (ع) است که به عنوان شاهدی برای تأثیرپذیری از کلام آن حضرت (ع) نقل شده است.

* طالب‌السنجری، ج ۲، تهران: آستان قدس، ۱۳۸۵.

** دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه wsabzianpoor@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۷ تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۸

کلیدواژه‌ها:

، شعر عربی، امثال عربی

مقدمه

برای تشخیص میزان تأثیر کلام حضرت علی (ع) در ادب عربی کافی است بدانیم وقتی از عبدالحمید پرسیدند: «فصاحت را از که آموختی؟»، گفت: «هفتاد خطبه از خطبه‌های علی (علیه السلام) را حفظ کردم؛ و این خطبه‌ها پی‌درپی چون چشمه‌هایی در ذهن من جوشید» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۰۶ و ۲۰۵). در جایی که جاحظ، امام علی (ع) را امام خطبای عرب به‌طور مطلق می‌داند (البیان والتبیین؛ نقل از جعفری، ۱۳۸۰: ۹) و ابن‌ابی‌الحدید کلام علی (ع) را این‌گونه توصیف می‌کند: کلام علی دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوقین (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۳)، چگونه ممکن است شاعران عرب از کلام فصیح و بلیغ علی (ع) غافل باشند؟

از دیرباز در منابع عربی به آثار گرانسنگ اندیشه‌های علی (ع) در نظم و نثر عربی اشاره شده است؛ از جمله شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید که در آن به صدها بیت از شاعران عرب — به‌عنوان شاهد برای اشتراک مضمون در میان نهج البلاغه و اشعار شاعران — اشاره شده است.

کتاب ادب الامثال والحکم به‌همت طالب‌السنجری سامان یافته و انتشارات آستان قدس به چاپ آن اقدام کرده و در سال ۱۳۸۵ به چاپ دوم رسیده است. این کتاب، اثری ارزشمند است که در آن ۵۰۰ بیت از اشعار شاعران به‌عنوان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری شاعران عرب از نهج البلاغه نقل شده است. در این اثر، موارد زیر قابل تأمل است:

۱. منابع سخنان علی (ع)

در این بخش نویسنده با مسامحه بسیار ۷۳ جمله از علی (ع) را از شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید نقل کرده که همه آنها در نهج البلاغه موجود است. این شواهد به‌گونه‌ای است که گاه خواننده ناآشنا به نهج البلاغه دچار حیرت می‌شود که کدام جمله از علی (ع) است. نقل این عبارات از شرح ابن‌ابی‌الحدید نشان می‌دهد که منبع نویسنده برای این

شواهد ۷۳ گانه همان شرح ابن ابی الحدید بوده است.

برای نمونه، عبارات شماره ۳۵، ۶۸، ۸۸، ۱۰۱ و ۱۱۷ به شرح ابن ابی الحدید ارجاع داده شده در حالی که آدرس آنها در نهج البلاغه به ترتیب عبارت است از: ۱. ق. ۱۶۱، ق. ۳۶۰، ق. ۳۴۶، ق. ۹۱، ق. ۸۶.

و در شواهد بسیاری کلام علی (ع) که در نهج البلاغه آمده، به غرر الحکم ارجاع داده شده است. بدیهی است که با وجود اعتبار نهج البلاغه و تقدم زمانی آن، این نوع ارجاع خالی از مسامحه نیست. برای نمونه، به موارد اشاره می کنیم: ۵، ۵۴، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۶، ۱۷۰؛ که منبع آنها نهج البلاغه و به ترتیب به شرح زیر است: ک. ۷۵/۳۱، ق. ۳، ق. ۹۱ و ق. ۱۹۷، ق. ۸۶، ق. ۶۶، ک. ۵۱/۳۱، خ. ۲/۱۲۷، ق. ۱۴.

همچنین، نقل شاهد شماره ۴۴۳ از کتاب قانون به جای نهج البلاغه، نقل از بحار الانوار (شماره های ۸۹ و ۴۲۴) با وجود عین جمله در غرر الحکم (به سبب تقدم زمانی غرر بر بحار الانوار)، و نقل از شرح ابن میثم (شماره ۴۰۷) به جای غرر الحکم، خالی از مسامحه نیست. در دو مورد، کلام علی (ع) از ادیبان اهل سنت نقل شده است که بسیار موجه می نماید: شماره ۲۹۱ از عکبری (شارح دیوان متنبی) و ۳۷۰ از حصری (صاحب کتاب زهر الآداب)؛ و به مصداق «خوش تر آن باشد که سر دلبران / گفته آید در حدیث دیگران»، شایسته بود که بر غنای این بخش افزوده شود.

در مجموع، نویسنده از بیش از ۲۰۰ عبارت نهج البلاغه که در این کتاب آمده، فقط ۲۷ جمله را به نهج البلاغه ارجاع داده و بقیه را از منابع دست دوم نقل کرده است. برخی ارجاع ها نیز درست نیست؛ مثل ارجاع «نظر البصر...» در صفحه ۱۳۲ به شماره ۳۲۰ و «من لم یقف...» در صفحه ۹۳ به شماره ۳۵۸.

۲. منابع اشعار

۱۷۰ بیت از شواهد این کتاب - یعنی کمی بیش از ۳۰ درصد مجموعه شواهد - بدون منبع و مأخذ ذکر شده پیدا کردن منابع این ابیات اگر چه کمی دشوار می نماید، غیر ممکن

۱. در این مقاله، خ. ق. و ک. به ترتیب نشانه «خطبه»، «کلمات قصار» و «نامه های علی (ع)» در نهج البلاغه است.

نیست. در این بخش، برای نمونه، منبع چند بیت را که مؤلف به آنها اشاره نکرده است ذکر می‌کنیم (منظور از «شماره» در این قسمت، ترتیب عددی است که نویسنده برای شواهد خود قرار داده است):

شماره‌های ۱ و ۲۹۷ (الشریف‌الرضی، دیوان، ۲/۲۴۳ و ۲/۴۹۰)، شماره ۱۸ و ۲۷ (ابوالعتاهیه، دیوان، ۴۱۵ و ۱۵۹)، شماره ۸۵ و ۲۱ (ابن‌الرومی، دیوان، ۳/۲۸۶ و ۱/۸۸)، شماره ۹۹ (بشار، دیوان، ۶۳۰)، شماره ۶ (متنبی، دیوان، ۱۸۹)، شماره ۹۵ (ابن‌معتز، دیوان، ۴۰۳/۲).

به‌علاوه، ۵۶ شاهد دیگر بدون نام گوینده به کتاب *نظم‌اللائل* ارجاع داده شده است. در اینجا نیز با ذکر چند مورد، نشان می‌دهیم که پیدا کردن منابع این ابیات غیرممکن نیست: شماره ۳۵۶ (ابن‌درید، دیوان، ۲۲۸)، شماره ۲۶ (*البيان والتبيين*، جاحظ، ۲/۲۴۱)، شماره ۲۱۲ (*ثمارالقلوب*، ابی‌منصور عبدالملک‌الثعالبی، ص ۴۱۰)، شماره ۶۴ (*محاضرات - الادباء، الراغب الاصفهانی، ۲/۱۸۷*)، شماره ۱۸ (*محاضرات‌الادباء، الراغب الاصفهانی، ۱/۱/۶۰*)، شماره ۴۰ (*بهجة‌المجالس و انس‌المجالس، القرطبی، ۱/۱۲۵*).

۳. تردید در حکمت‌بودن شعر

در اشعاری که مؤلف به‌عنوان شاهد برای کلام علی (ع) آورده است، نمونه‌هایی دیده می‌شود که حکمت خاصی در آنها دیده نمی‌شود (از جمله: شماره‌های ۴۷۸ و ۹۲ و ۴۱).

۴. مضامین تکراری

به‌نظر می‌رسد مؤلف محترم، به‌جای عمق و ارتفاع دادن به مطلب، سعی در پهن کردن موضوع داشته و مضامین واحدی را در جای‌جای کتاب به‌شکل پراکنده تکرار کرده است؛ درحالی‌که بهتر بود ذیل یک شاهد از *نهج‌البلاغه* به ابیات دو یا سه شاعر در همان موضوع اشاره می‌کرد. برای نمونه می‌توان به ابیات شماره ۴۷ و ۱۴۶ و ۲۳۱، ۱۰۳ و ۴۹۷ و ۹۹ و ۳۲۰ اشاره کرد که مضمون واحدی دارند.

۵. انتخاب بهتر شواهد

- به نظر می‌رسد مؤلف محترم برخی شواهد را از کلام علی (ع) از سر حوصله انتخاب نکرده است در حالی که به شواهد نزدیک تر و دقیق تر می‌توانست اشاره کند. نمونه‌های پیشنهادی زیر که غالباً از نهج البلاغه است، شباهت بیشتری به اشعار این کتاب دارد:
۱. خذ من تراثك ما استطعت فإنما / شركاؤك الايام والوراثة (شماره ۱۹۹)
قال علی (ع): المال للفتن سبب، و للحوادث سلب. (غررالحکم، ۳۷۸/۱)
پیشنهاد: و قال علیه السلام: لكل امرئ في ماله شريكان: الوارث والحوادث. (ق ۳۳۵)
 ۲. خذ ما تراه و دع شيئاً سمعت به / في طلعة الشمس ما يغنيك عن زحل (شماره ۱۹۸)
قال علی (ع): لا تسأل عما لم يكن ففي الذي قد كان لك شغل. (شرح نهج البلاغه، ۲۸۲/۱۹)
پیشنهاد: الباطل أن تقول سمعت والحق أن تقول رأيت. (خ ۱۴۱)
 ۳. اذا ساء فعل المرء ساءت ظنونه / و صدق ما يعتاده من توهم (شماره ۴۳)
قال علی (ع): شر الناس من لا يثق بأحد لسوء ظنه، و لا يثق به أحد لسوء فعله. (غررالحکم، ۱۷۸/۴)
پیشنهاد: الرجل السوء لا يظن بأخيه خيراً لأنه لا يراه الا بوصف. (غررالحکم، ۱۵۷/۲)
 ۴. لرب شهوة ساعة / قد أورثت حزنا طويلا (شماره ۴۲۱)
قال علی (ع): لا تقوم حلاوة اللذة بمرارة الآفات. (غررالحکم، ۴۲۳/۶)
پیشنهاد: شتان ما بين عمليين: عمل تذهب لذته و تبقى تبعته، و عمل تذهب مؤونته و يبقى أجره. (ق ۱۲۱)
 ۵. لسانك عقرب فاذا أصابت / سواك فأنت أول من تصيب (شماره ۳۰۶)
قال علی (ع): زلة اللسان تأتي على الانسان. (غرر: ۱۱۱/۴)
پیشنهاد: اللسان سبغ إن خلى عنه عقر. (ق ۶۰)
 ۶. ألا انما الانسان ضيف لاهله / يقيم قليلا بينهم ثم يرحل (شماره ۱۱۰)
قال علی (ع): لكل ناجم افول. (شماره ۱۱۰)

- پیشنهاد:** و أنتم بنو سبیل علی سفر من دار لیست بدار کم. (خ ۱۸۳)
۷. اذا امتحن الدنيا لیب تکشفت / له عن عدو فی ثباب صدیق (شماره ۲۹)
- قال علی (ع): انما الدنيا شرك وقع فيه من لا يعرفه. (غررالحکم، ۷۶/۳)
- پیشنهاد:** مثل الدنيا كمثل الحية لیّن مسّها والسمّ الناقع فی جوفها. يهوی إليها الغرّ الجاهل و يحذرها ذواللبّ العاقل. (ق ۱۱۹)
۸. اذا كنت فی نعمة فارعها / فان المعاصی تزیل النعم (شماره ۶۵)
- قال علی (ع): احذروا نفار النعم فما كل شارد بمرود. (شرح نهج البلا ، ۱۸/۱۹)
- پیشنهاد:** وایم الله ما كان قوم قَطّ فی غضّ نعمة من عیش فزال عنهم إلا بذنوب اجترحوها، لأن الله لیس بظلام للعبيد. (خ ۱۷۸)

۶. ارتباط نداشتن سخن شاعر با کلام علی (ع)

- در این قسمت، ذیل شواهد، منظور اصلی شاعر و امام (ع) به فارسی آورده شده است، مقایسه این دو جمله نشان می دهد که محور و مضمون دو سخن متفاوت است و این نشانه تسامح مؤلف در تطبیق کلام علی (ع) با اشعار شاعران است.
۱. اذا المرء أولاك الهوان فأوله / هوانا، و ان كانت قریبا أواصره (شماره ۲۶)
- قال علی (ع): تكبر الدنيا یدعو الی اهانتة. (غررالحکم، ۳۱۹/۴)
- شاعر: هر کس به تو اهانت کرد، به او اهانت کن اگرچه از نزدیکان تو باشد.
- علی (ع): تكبر فرومایه، موجب ذلت او است.
- در بیت شاعر، مطلقاً اشاره ای به «تكبر» وجود ندارد.
۲. اذا انت لم تشرب مرارا علی القذی / ظممت، و أی الناس تصفو مشاربه (شماره ۳۱)
- قال علی (ع): ینبغی لمن عرف الزمان أن لا یأمن الصروف والغير. (غررالحکم، ۴۴۳/۶)
- شاعر: دنیا پر از ناخوشایندی است و آدمی برای ادامه حیات چاره ای جز تحمل آنها ندارد و اگر از مدارای آنها سرباز زند، باید از خیر بسیاری از امور محروم شود و حتی آب هم ننوشد، زیرا در آب (در روزگار شاعر) همواره خار و خاشاک وجود دارد.
- علی (ع): انسان آگاه باید از حوادث و بازی روزگار غافل نباشد و خود را در امان نداند.

۳. اذا تاه الصديق عليك كبرا فته كبرا على ذاك الصديق (شماره ۳۶)
قال علی (ع): من تكبر حقر. (غررالحکم، ۱۴۰/۵)
در کلام شاعر، به تکبر در مقابل متکبر توصیه شده ولی در کلام علی (ع)، متکبر خوار و ذلیل دانسته شده است.
۴. اذا تم امر بدا نقصه / توقع زوالا اذا قيل: تم (شماره ۳۸)
قال علی (ع): لكل شيء من الدنيا انقضاء و فناء. (غررالحکم، ۱۷/۵)
در کلام شاعر، نقص و زوال هر چیزی در زمان کمال آن دانسته شده و در کلام علی (ع) هر چیزی منجر به زوال و نابودی است.
۵. اذا ما ضاق باب من امير / فان الله اوسع منه بابا (شماره ۷۷)
قال علی (ع): ما اشتد ضيق الا قرب الله فرجه. (غررالحکم، ۷۲/۶)
از نظر شاعر، لطف و کرم خدا بسیار و سخاوت مردم کم است و کلام علی (ع) ناظر به فرج بعد از شدت است که خداوند نهایت هر شدتی را فرج و گشایش قرار داده است.
۶. اذا مت كان الناس صنفين / شامت و آخر مثن بالذی كنت اصنع (شماره ۷۹)
قال علی (ع): ان مالک لحامدك فی حیاتك و لذامك بعد وفاتك. (غررالحکم، ۲۹۸/۲)
شاعر: پس از مرگ من مردم دو گروهند: ۱. آنها که خوبی مرا ستایش می کنند، ۲. آنها که بدی هایم را زشت می شمارند.
- علی (ع): مال و ثروت تو در زندگی عامل ستایش و پس از مرگ عامل سرزنش تو است.
۷. أرى فضل مال المرء داء لعرضه / كما أن فضل الزاد داء لجسمه (شماره ۸۵)
قال علی (ع): شر الاموال ما أكسب المذام. (غررالحکم، ۱۶۳/۴)
شاعر: مال اضافی موجب رنج و اندوه و درد است.
علی (ع): بدترین اموال آن است که موجب سرزنش شود.
۸. اصبر علی مفض الحسود / فان صبرك قاتله (شماره ۹۵)
قال علی (ع): الصبر عون علی كل أمر. (غررالحکم، ۱۹۶/۱)

- شاعر: صبر در مقابل حسود، قاتل او است (بهترین شیوه مبارزه با حسود، صبر است).
 علی (ع): صبر در هر کاری، یاور آدمی است.
۹. أعمى يقود بصيرا لأبأ لكم / قد ضل من كانت العميان تهديه (شماره‌های ۹۹ و ۳۱۹)
 قال علی (ع): نظر البصر لا يجدی اذا عمیت البصيرة. (غررالحکم، ۱۷۴/۶)
 شاعر: بینایی که کور او را راهبری کند، گمراه است.
 علی (ع): اگر بصیرت نباشد، درستی چشم بی فایده است.
۱۰. افهم عن الايام فهی نواطق / ما زال يضرب صرفها الامثالا (شماره ۱۰۵)
 قال علی (ع): ضروب الامثال تضرب لاولی النهی والالباب. (غررالحکم، ۲۲۹/۴)
 شاعر: حوادث روزگار، هر روز برای ما مثلی می‌زند.
 علی (ع): امثال برای عاقلان زده می‌شود.
۱۱. ظننت بهم ظنا جميلا فخيوا / رجائي و ما كل الظنون تصيب (شماره ۲۳۹)
 قال علی (ع): الرجل السوء لا يظن بأحد خيرا لانه لا يراه الا بوصف نفسه. (غررالحکم، ۱۵۷/۲)
 شاعر: هر گمانی درست نیست.
- علی (ع): بدکار با قیاس به خود به همه سوء ظن دارد.
۱۲. تتبدل الدنيا و حبك ثابت / فی القلب لا یفنی و لا یتبدل (شماره ۱۶۰)
 قال علی (ع): أشرف الشیم رعاية الود. (غررالحکم، ۴۶۸/۲)
 شاعر: عشق به دنیا تا لحظه مرگ از دل آدمی بیرون نمی‌رود.
 علی (ع): بهترین شیوه، حفظ دوستی است.
۱۳. جواب سوء المنطق السکوت / قد افلح المتئد الصموت (شماره ۱۹۲)
 قال علی (ع): لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه. (غررالحکم، ۱۵۹/۱۸)
 شاعر: پاسخ سخن ناروا، سکوت است.
 علی (ع): قلب نادان در زبان او است.
۱۴. جهلت أمرا فأبدیت النکیر له / والجاهلون لأهل العلم أعداء (شماره ۱۹۱)
 علی (ع): الناس أعداء ما جهلوا. (شرح نهج البلا، ۸۶/۲۰)

- شاعر: نادان دشمن دانا است.
- علی (ع): آدمی دشمن چیزهایی است که نمی داند.
۱۵. جعلت سمعی علی قول الخنا حرما / فأی فاحشۃ تدنو الی حرم؟ (شماره ۱۹۰)
- قال علی (ع): ما أفحش کریم قط. (غررالحکم، ۵۴/۶)
- شاعر: سخن زشت را بر گوشم حرام کردم.
- علی (ع): جوانمرد سخن زشت به زبان نمی آورد.
۱۶. جزى الله الشدائد كل خير / عرفت بها عدوى من صديقي (شماره ۱۸۹)
- قال علی (ع): عند تعاقب الشدائد تظهر فضائل الانسان. (غررالحکم، ۳۲۰/۴)
- شاعر: در سختی، دوست از دشمن شناخته می شود.
- علی (ع): در سختی، فضایل آدمی نمایان می شود.
۱۷. تعلم فليس المرء يخلق عالما / و ليس أخو علم كمن هو جاهل (شماره ۱۷۳)
- قال علی (ع): قيمة كل امرئ ما يحسنه. (شرح نهج البلا ، ۲۳۰/۱۸)
- شاعر: دانا با نادان تفاوت دارد.
- علی (ع): ارزش آدمی به کار نیک است.
۱۸. تموت مع المرء حاجاته / و تبقى له حاجة ما بقي (شماره ۱۸۱)
- قال علی (ع): إن اخسر الناس صفقة و أخيبهم سعيا رجل أخلق بدنه في طلب آماله و لم-
تساعده المقادير علی ارادته، فخرج من الدنيا بحسرتة، و قدم علی الآخرة بتبعته. (شرح نهج
البلاغه، ۷۵/۲۰)
- شاعر: آدمی ناکام از دنیا می رود.
- علی (ع): بدبخت ترین انسان کسی است که بخت یار او نباشد و با حسرت از دنیا برود.
۱۹. لاتسدین الی ذی اللؤم مکرمة / فانه سیخ لاینبت الشجرا (شماره ۴۵۲)
- قال علی (ع): لایزهدنک فی المعروف من لایشکره لک فقد یشکرک علیه من لایستمتع
بشیء منه، و قد یدرک من شکر الشاکر أكثر مما أضع الکافر والله یحب المحسنین. (شرح
نهج البلا ، ۲۴/۱۹)
- شاعر: انتظار سپاس از فرومایه نداشته باش.

- علی (ع): ناسپاسی فرومایه، تو را از کار نیک باز ندارد!
۲۰. و من العجائب، والعجائب جمّة / شکر بطیء عن ندى متسرع (شماره ۴۳۱)
 قال علی (ع): السخاء ما كان ابتداء، فاذا كان عن مسألة فحیاء و تدمم. (ق ۵۳)
 شاعر: سپاس دیروقت از سخاوت سریع مایه شگفتی است.
 علی (ع): سخاوت واقعی آن است که بدون درخواست باشد و گرنه از روی شرم و حیا است.
۲۱. اذا بلغ الرأى النصيحة فاستعن / بعزم نصیح أو مشورة حازم (شماره ۳۵)
 قال علی (ع): من استبد برأیه هلك، و من شاور الرجال شارکها فی عقولها.
 در کلام شاعر، به صفات مشاور (خیرخواهی و دوراندیشی) توصیه شده و در کلام
 علی (ع) به ضرورت مشورت اشاره شده است.
۲۲. فما كل من تهواه يهواك قلبه / ولا كل من صافيته لك قد صفا (شماره ۲۶۹)
 قال علی (ع): أبعد البعد تنائی القلوب. (غرر/الحکم، ۴۰۵/۲)
 شاعر: چنین نیست که هر که را دوست بداری، تو را دوست داشته باشد.
 علی (ع): دورترین دوری‌ها دوری‌ها قلب‌ها است.
۲۳. قالوا: أتى العيد قلت: أهلا / إن جاء بالوصل فهو عيد (شماره ۲۷۴)
 قال علی (ع): انما هو عيد لمن قبل الله صيامه و شكر قيامه، و كل يوم لانعصى الله فيه فهو
 يوم عيد. (شرح نهج البلاغة، ۷۳/۲۰)
 شاعر: روز وصال، عید است.
 علی (ع): روزی که گناه نکنی، عید است.
۲۴. لئن كنت أخليت المكان الذى أرى / فتهيأت أن يخلو مكانك من قلبى (شماره ۳۰۲)
 قال علی (ع): من لان عوده كثفت أغصانه. (ق ۲۱۴)
 شاعر: جای خالی است، ولی در قلب منی.
 علی (ع): هر کس محبت کند، یارانش بسیار می شوند.
۲۵. هی المقادیر تجرى فی أعنتها / فاصبر فليس لها صبر علی حال (شماره ۳۶۹)
 قال علی (ع): ما قال الناس لشیء طوبی له الا وقد خبا له الدهر يوم سوء. (شرح نهج البلاغه،

(۱۷۸/۱۹)

شاعر: سرنوشت، کار خود را می‌کند و باید درمقابل آن صبر کرد.
 علی (ع): هرچه را که مردم پسندند، روزی بد در انتظار آن است.
 ۲۶. و اذا الحلم لم یکن عن طباع / لم یکن عن تقدم المیلاد (شماره ۳۷۹)
 قال علی (ع): إن لم تکن حلیمًا فتحلم، فإنه قلّ من تشبه بقوم الا اوشک ان یصیر منهم.
 (غررالحکم، ۱۱/۳)

شاعر: اگر شکیبایی در طبیعت آدمی نباشد، بالارفتن سن بی‌فایده است.
 علی (ع): اگر صبور نیستی، در صبوری سعی کن؛ زیرا هرکس خود را شبیه کسانی
 کند، از آنها می‌شود.

۲۷. و أتعب من ناداک من لاتجیبه / و أغیظ من عاداک من لاتشاکل (شماره ۳۷۰)
 قال علی (ع): إن من السکوت ما هو ابلغ من الجواب. (الحصری، ۴۰۸/۱)
 شاعر: رنجورترین افراد کسی است که صدایت بزند و تو جوابش را ندهی.
 علی (ع): برخی سکوت‌ها گویاتر از جواب است.
 ۲۸. لو کل کلب عوی ألقمته حجرا / لأصبح الصخر مثقالا بدینار (شماره ۳۲۵)
 قال علی (ع): إذا حلمت عن السفیه غمتمه فزده غما بحلمک عنه. (غررالحکم، ۱۴۴/۳)
 شاعر: اگر برای هرسگی که پارس می‌کند، یک سنگ می‌انداختم، سنگ مثقالی یک
 دینار می‌شد.

علی (ع): با صبر درمقابل نادان، غم او را افزایش ده.

خلاصه و نتیجه

تلاش گسترده و رنج بسیار مؤلف که با رجوع به منابع مختلف، نمونه‌هایی عالی از
 تأثیر کلام علی (ع) را در اشعار شاعران عرب نشان داده، شایسته تقدیر و تحسین است؛ در
 عین حال هرچند که در این کار سرافراز است، ولی نمی‌توان انکار کرد که این اثر
 پژوهشی، محتاج بازنگری و تجدیدنظر است.

منابع

- ابن ابى الحديد. ١٣٨٥. شرح نهج البلا . تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم. القاهرة: دار احياء الكتب العربية.
ابن الدريد. ١٤١٥ هـ. ديوان. شرح مقصوده للخطيب التبريزى، قدم له وضع هوامشه و فهارسه راجى الاسمر.
بيروت: دار الكتاب العربى.
ابن الرومى. ١٤١٥ هـ. ديوان. شرح الاستاذ احمد حسن بسج. بيروت: دار الكتب العلمية.
ابن المعتز. ١٤١٥ هـ. ديوان. شرحه مجيد طراد. بيروت: دار الكتاب العربى.
ابو العتاهية، ١٤٢٥ هـ. ديوان. قدم له و شرحه مجيد طراد. لبنان، بيروت: دار الكتاب العربى.
بشار بن برد. ١٤١٥ هـ. ديوان. شرحه و رتب قوافيه و قدم له مهدي محمد ناصر الدين. لبنان، بيروت:
دار الكتب العلمية.
الثعالبي، ابو منصور عبد الملك بن محمد بن اسماعيل. ١٤٢٤ هـ. ثمار القلوب فى المضاف والمنسوب. تحقيق
محمد ابو الفضل ابراهيم. بيروت: المكتبة العصرية صيدا.
الجاحظ ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب. ١٤٢١ هـ. البيان والتبيين. قدم لها و بوبها و شرحها الدكتور على
ابو ملحم. بيروت: دار الهلال.
جعفرى، سيد محمد مهدى. ١٣٨٠. «منابع ومستندات نهج البلا »، مجله كتابدارى، دفتر ٣٦، ص ٢٥-٧.
الراغب الاصفهاني، ابو القاسم حسين بن محمد بن المفضل. ١٤٢٠ هـ. محاضرات الادباء ومحاورات الشعراء والبلغاء.
حققه و ضبط نصوصه و علق حواشيه الدكتور عمر الطباع. لبنان، بيروت: شركة دار الارقم بن ابى الارقم.
السنجرى، طالب. ١٣٧٣. ادب الامثال. بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى.
الشريف الرضى. الديوان. بيروت: دار صادر.
القرطبي، الامام ابو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبد البر النمرى. و أنس المجالس. تحقيق
محمد مرسى الخلولى. لبنان، بيروت: دار الكتب العلمية.
القيروانى، أبى اسحاق بن على الحصرى. ١٣٧٢. زهر الآداب و ثمر الآداب. مفصل و مضبوط و مشروح بقلم
الدكتور زكى مبارك. الطبعة الثانية، مصر: مطبعة السعادة.
المتنبى. ديوان. شرحه و كتب هوامشه مصطفى سبتي. لبنان، بيروت: دار الكتب العلمية.
نهج البلا .